

بررسی جنبه‌های بلاغی نامه‌های شاهنامه با رویکرد جایگاه جمله‌های خبری و انشایی

زینت جهانی*

دکتر کیمیا تاج‌نیا**

دکتر اسماعیل اسلامی***

چکیده

معانی به‌عنوان یکی از سه علم زیباشناسی سخن پارسی، جایگاه خاص و ممتازی در بلاغت سخن دارد و علوم و فنون بلاغی در شکل‌گیری زبان، نقش مهمی دارند. با توجه به قواعد و اصول علم معانی، نقش و اهمیت انواع جمله در انتقال مفاهیم، قابل بررسی است. این علم، انواع جمله را به‌خبر و انشا تقسیم و از نظر معانی ثانوی، مطالعه می‌کند. در این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته، نویسنده درصدد آن است تا به بررسی جنبه‌های بلاغی نامه‌های شاهنامه با رویکرد جایگاه جمله‌های خبری و انشایی بپردازد و به این نتیجه رسیده است که در منظومه‌های داستانی و حماسی فارسی، تعداد بسیاری نامه وجود دارد که قابل مقایسه با نامه‌های شاهنامه فردوسی نیست و دوپست و پنجاه نامه به کار رفته در شاهنامه و نقش آنها گواه این ادعاست. این نامه‌ها بیشتر در دو بخش پهلوانی و تاریخی به کار رفته‌اند و هدف فردوسی فقط انتقال اندیشه و خواست فرستنده آنها نیست؛ بلکه هر یک فرصتی هستند برای حکیم تا نوآوری و تنوع به کار آورد؛ گاه بخش‌هایی از داستان را از زبان نویسنده نامه، نقل می‌کند؛ گاه با بیان احساسات فرد از زبان خود او، شوری در سخن می‌افکند تا مجالی برای پرداخت شخصیت قهرمانان حماسه بیابد و بی‌آنکه حضورش، سایه‌ای بر رویدادها بگسترده، تحلیل‌ها و حتی پیام‌های خویش را به مخاطب می‌رساند و در یک کلام، نامه‌ها آینه تمام‌نمای شاهنامه‌اند.

واژگان کلیدی: انواع اطناب، بلاغت، علم معانی، خبر و انشا، شاهنامه فردوسی.

* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.

Email: Zjahani452@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: Kimia.tajnia@yahoo.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران.

Email: es596262@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۸

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷

مقدمه

به جرأت می‌توان گفت نقش نامه‌ها در هیچ‌یک از آثار منظوم پارسی با جایگاه و ارزش نامه‌ها در شاهنامه فردوسی قابل مقایسه نیست. وقتی دانسته شود «بیش از ثلث ابیات شاهنامه به بیان گفتارهای قهرمانان داستان، اختصاص یافته است.» (سرامی، ۱۳۸۳: ۲۵۷) و از میان افزون از سه هزار بیت را نامه‌ها که گفتارهای مکتوب هستند، تشکیل داده‌اند، تنها بخشی از ارزشمندی نامه‌های شاهنامه عیان می‌شود اما هنگامی که با دیدی مو شکافانه‌تر و به صورت جامع به نامه‌های شاهنامه پرداخته شود، شاهنامه‌ای در ابعاد کوچک اما با همان ویژگی‌ها و بزرگی‌های حماسه عظیم ادب پارسی عیان می‌شود؛ از همین رو مطالعه و بررسی این نامه‌ها امری ضروری است. در یک نگاه کلی این نامه‌ها ۲۵۸ عدد هستند و به صورت پراکنده در دو بخش پهلوانی و تاریخی دیده می‌شوند. باید توجه داشت نامه‌های شاهنامه برای فردوسی تنها وسیله ارتباط میان شخصیت نیستند، بلکه در بیشتر موارد کاربردهایی فراتر دارند. نخست اینکه فردوسی در برخی موارد بیان حوادث را بر عهده نویسنده نامه گذاشته و با حذف بخشی از داستان در متن اصلی و نقل روایت گونه آنها از زبان یکی از شخصیت‌ها در قالب نامه، روشی را در داستان‌گویی آزموده که قرن‌ها بعد در ادبیات دنیا رواج یافته است. دیگر اینکه «فردوسی به نامه‌های مندرج در متن داستان به‌عنوان ابزارهایی برای شورانگیزتر کردن روند داستان‌ها نگریده است. بسیاری از کسان را می‌شناسیم که از شاهنامه جز نامه رستم فرخ‌زاد را نخوانده‌اند، اما خواندن همین نامه، موجب شده است تا فردوسی را به‌عنوان حماسه‌پرداز کامروا باور کنند.» (سرامی: ۲۰۹) در عین حال فردوسی با استفاده از آنچه در نامه‌ها مطرح کرده، بی‌آنکه خود را به‌عنوان دانای کل وارد داستان کند، مسائل را از زبان شخصیت‌ها تحلیل کرده و درون‌مایه حوادث را به خواننده نشان داده؛ مانند نامه گزدهم به کاووس و نیز در شناساندن خود شخصیت به خواننده شاهنامه نیز از نامه مدد گرفته است؛ به‌عنوان مثال، شخصیت خودکامه و نابخرد کاووس از لابه‌لای نامه‌هایش به پادشاهان دیگر، پهلوانان و حتی فرزندش به خوبی نمودار است. هم چنین نامه‌ها مجال هستند تا حکیم طوس، احساسات

درونی افراد را برای خوانندگان نمایان کند و از میان حرف‌های نویسنده، درونیات او را غیرمستقیم اما روشن و دقیق بشناساند؛ مثلاً در نامه کسری به مرزبان مدائن (ج ۸، ص ۱۰۴-۹۹، بیت ۸۷ - ۷۸۳) درباره نحوه برخورد با شاهزاده سرکش، نوشزاد، چنان سوز و گداز و دلهره پدران‌ای دیده می‌شود که خواننده پس از کشته شدن نوشزاد هرگز کسری را گناهکار نمی‌داند.

در این پژوهش نقش علم معانی در انتقال پیام‌های شخصیت‌های شاهنامه، بررسی شده تا مشخص شود فردوسی هنگامی که در اوج داستانی حماسی خواسته است به بیان جزئیات داستان‌ها روی بیاورد، از چه نوع جمله‌هایی استفاده کرده است و چگونه آنها را به کار برده است تا مضامین مورد نظر به بهترین شکل به مخاطب منتقل شود. بررسی این دسته از جملات و اغراض ثانویه آنها برای شناخت اندیشه فردوسی و اهداف او بسیار ضروری است. با بررسی نوع جملات به کار رفته در نامه‌های شاهنامه و اغراض و معانی ثانویه آنها، چگونگی پیوند زبان و اندیشه فردوسی با اهداف حماسی او در این اثر مشخص می‌شود. همچنین در این پژوهش مشخص می‌شود که آیا فردوسی به روش مستقیم و با کاربرد معانی حقیقی جملات به بیان داستان پرداخته یا برای تأثیر بیشتر از روش غیرمستقیم و معانی ثانویه بهره برده است؟

پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، در باب بلاغت شاهنامه، پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته است؛ اما در رابطه با موضوع جایگاه جمله‌های خبری و انشایی و ابعاد بلاغی و سبک شناسانه آن تاکنون تحقیق مستقلی انجام نشده است.

- راشد محصل (۱۳۷۴) در مقاله‌ای با عنوان «پیام نامه‌ها در شاهنامه» به بررسی موضوع و محتوای نامه‌ها پرداخته است.

- معین‌الدینی (۱۳۸۱) در مقاله‌ای با عنوان «نامه نگاری در شاهنامه» که در مجموعه مقالات نخستین گردهمایی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی چاپ شده؛ موضوع نامه‌های شاهنامه را بررسی نموده است.

- نیک مهر (۱۳۸۸) در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «بررسی نامه‌های شاهنامه با تکیه بر جنبه‌های روان‌شناسی و زیبایی‌شناسی» به بررسی شرح‌حال نویسندگان نامه‌ها با توجه به شهرت، تأثیرگذاری و تعداد نامه‌های ارسال شده از سوی آنان پرداخته و سپس تیپ و ابعاد مختلف شخصیت آنها را مورد مطالعه قرار داده است.

- صحرايي (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی درباره نامه‌های شاهنامه»، نامه‌ها را از جهت سطوح ارتباطی به سه دسته: بالادست به زیر دست، زیردست به بالادست و نامه هم‌تایان به هم، تقسیم کرده است.

- ذوالفقاری (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی شاهنامه فردوسی از دیدگاه دانش معانی با تأکید بر داستان رستم و اسفندیار» به اغراض بلاغی ذکر و تقييد مسندالیه در این داستان پرداخته است.

- نذری، جوهره‌بیک و علی محمدی‌خراسانی (۱۳۹۹) در کتاب «نامه و نامه‌نگاری در شاهنامه»، نظر اجمالی به نامه و نامه‌نگاری در فرهنگ فارسی‌زبانان، نامه‌های شاهنامه و آداب و هنر نامه‌نگاری فردوسی در آنها پرداخته و همچنین به موضوع و محتوای نامه‌های شاهنامه اشاره نموده است. آنچه موجب تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های یاد شده می‌شود؛ این است که تاکنون هیچ پژوهشی در رابطه با اطناب و بررسی ضمنی اطناب و بسط کلام و حذف در نامه‌های شاهنامه صورت نگرفته است؛ بنابراین تحقیق حاضر در این زمینه برای اولین بار صورت می‌گیرد و نوآورانه است.

بحث و بررسی

بررسی نامه‌های شاهنامه بنابر جنبه‌های بلاغی

«در علم معانی از جملاتی که بدون قرینه لفظی در معنای خود به کار نمی‌روند بحث می‌شود؛ و به همین لحاظ به این علم معانی می‌گویند؛ زیرا از معانی ثانوی جملات بحث می‌کند.» (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۱۱) این کاربرد زبان، سخن را مؤثر و بلیغ کرده، ذهن خواننده یا

شنونده را به کاوش و جست‌وجو می‌خواند. در حقیقت این علم توانایی‌های زبان در زمینه جمله و امکانات فراوان آن، در بیان یک مطلب واحد به صورت‌های گوناگون را می‌سنجد. جمله که در حوزه علم معانی، کوچک‌ترین واحد قابل تحلیل است، به دو گونه خبر و انشا تقسیم می‌شود. در کتاب‌های بلاغی خبر این‌گونه تعریف شده است: «کلامی که قابل تصدیق و تکذیب باشد یا به تعبیر دیگر، جمله‌ای را که احتمال درستی و نادرستی آن وجود داشته باشد، خبر گویند.» (همایی، ۱۳۷۴: ۹۲)

نه تنها در حیطه ادبیات که در زندگی روزمره هم وقتی جمله‌ای خبری، پرسشی یا... گفته شود، همیشه مفهوم آن خبررسانی یا پرسیدن از امری نادانسته نیست، بلکه در بسیاری موارد معنای مجازی در پس ظاهر کلام نهفته است که قصد حقیقی گوینده و موضوع اصلی علم معانی است؛ برای مثال هنگامی که کی کاووس می‌گوید:

که رستم که باشد که فرمان من کند پست و پیچد ز پیمان من

(فردوسی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۹۹)

منتظر جواب گرفتن نیست و از کیستی رستم نمی‌پرسد، بلکه قصد تحقیر او و مباحثات به خود را دارد. هرچند در پایان جمله علامت سؤال قرار داده شده باشد و لحن سخن پرسشی باشد.

دیگر گستره عمل علم معانی ایجاز و اطناب و مساوات است؛ زیرا این مقتضای کلام است که ایجاب می‌کند، سخنی در نهایت اختصار بیان شود یا به تفصیل و چه‌بسا استفاده نا بجای این دو نه تنها تأثیر کلام را از بین برد که نتیجه‌ای باژگونه را باعث شود؛ به‌عنوان نمونه در نبرد رستم و سهراب، فردوسی با درایت کامل آماده شدن سهراب برای نبرد را در نهایت ایجاز و تنها در دو بیت آورده است:

پوشید خفتان و بر سر نهاد یکی خود چینی به کردار باد
ز تندی به جوش آمدش خون به رگ نشست از بر باره تیزتگ

(همان، ج ۲: ۲۲۰)

اما چون آماده شدن رستم را تصویر می‌کند، در هشت بیت و به تفصیل می‌سراید:
بفرمود تا رخس را زین کنند سواران بروها پر از چین کنند
ز خیمه نگه کرد رستم به دشت ز ره گیو را دید کاندرا گذشت
نهاد از بر رخس رخسند زین همی گفت گرگین که بشتاب هین
همی بست بر باره رهام تنگ به برگستوان بر زده طوس چنگ
همی این بدان آن بدین گفت زود تهمتن چو ازخیمه آوا شنود
به دل گفت کین کار آهرمنست نه این رستخیز از پی یک تنست
بزد دست و پوشید ببر بیان بیست آن کیانی کمر بر میان
نشست از بر رخس و بگرفت راه زواره نگهبان گاه و سپاه

(همان، ج ۲: ۲ - ۲۲۱)

چرا که رستم قهرمان اول شاهنامه است و بزرگ پهلوان ایران زمین و امید همه ایرانیان. عظمت و شکوه رستم در برابر سهراب باید حفظ شود و در عین حال اضطراب و تنش حاکم بر رستم و فضای لشکرگاه او نیز مجسم گردد؛ بنابراین حکیم طوس با نهایت باریک‌بینی موقعیت را تشخیص داده و با ایجاز و اطنابی بجا صحنه را جان داده است.

ایجاز، اطناب و مساوات

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیر بر مخاطب که کلام را بنا به مقتضای حال و محل تناسب می‌بخشد، رعایت این نکته است که «تا چه اندازه باید سخن گفت؟» کجا لازم است شرح و بسط و درازگویی پیش گرفته شود و کجا تنها به مختصر عبارتی باید بسنده کرد؟ و این همان بخش از علم معانی است که ایجاز و اطناب نام گرفته و قرن‌هاست شاعران و نویسندگان را به خود مشغول داشته

که مبدا ایجاز مخل به کار آورند یا کار را به اطنابی ممل بکشانند. فردوسی نیز از این قاعده مستثنی نیست اما با درایت و هوشمندی بر لبه این تیغ دو دم، گام گذاشته و سلامت مانده است. چون هنگامه نبردها و وصف میدان‌های جنگ و مفاخره پهلوانان بوده، اطناب پیش گرفته و چون بزم و عشق در میان آمده، ایجاز به کار آورده؛ اما بیش از همه مساوات را شیوه خود ساخته و «از این طریق سادگی و صراحت فکر و لفظ را حفظ کرده است.» (صفا، ۱۳۷۹: ۲۷۷) در نامه‌های شاهنامه نیز همین رویه دیده می‌شود. گاه پهلوانی چون سام شرح دلیری‌های خود در نبرد با اژدهای کشف رود را به اطناب برای منوچهر می‌نویسد تا او را تحت تأثیر قرار دهد و با خود هم‌داستان کرده، از ستیز با کابلیان بازدارد و گاه پهلوانانی چون زال و رستم و گودرز پیروزی خود در نبردهای سهمگین را چنانکه گویی کاری پیش پا افتاده است در یکی دو بیت به پادشاه گزارش می‌دهند تا در عین آگاهی دادن، قدرت خود را بس بیشتر از این آوردها نشان دهند و بی‌اهمیتی و کوچکی دشمن را بنمایانند؛ اما پرشمارترین نامه‌ها آنهاست که لفظ و معنایشان جایگاهی مساوی دارد و این همان رویه کلی شاهنامه و مقتضای سادگی و صراحت حماسه است که البته به دلیل ویژگی نامه که انتقال‌دهنده پیام و سخن افراد به همدیگر هستند، مؤکد شده؛ زیرا لازم است روشن و بی‌هیچ ابهام منظور نویسنده را به گیرنده برسانند. به هر روی دلایل اصلی پیش گرفتن ایجاز یا اطناب در نامه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد.

الف) دلایل روی آوردن به اطناب

۱- برای نشان دادن اهمیت امری درباره آن به اطناب سخن گفته می‌شود و این اطناب می‌تواند هم در جملات نامه باشد و هم به وسیله تکرار آنچه پیش از این در متن اصلی شاهنامه آمده؛ مانند نامه گژدهم به کاووس درباره سهراب. در این نامه تنها یک بیت به نیایش خدا اختصاص یافته و بیست بیت دیگر به سهراب و گزارش پهلوانی‌هایش در نبرد با جنگاوران رویین دژ اختصاص دارد، در حالی که پیش از این شرح رویارویی سهراب با هجیر و گرد آفرید به صورت گسترده در متن آورده شده بود.

۲- اطناب در بیان کارها و خدماتی که نویسنده در حق گیرنده نامه انجام داده نیز از راه تأثیرگذاری بر مخاطب است. در این شیوه نویسنده به یادآوری دلآوری‌ها و اعمال قهرمانانه خود و یاری‌هایش در حق گیرنده می‌پردازد و پس از متأثر کردن او خواست خود را مطرح می‌کند تا امکان پذیرش آن بیشتر شود؛ نمونه برجسته این نوع، نامه سام به منوچهر است که در آن حدود ۴۰ بیت به شرح از جان گذشتگی و شجاعت سام در برابر ازدهای کشف رود اختصاص داده شده است تا در نهایت خواست سام مبنی بر حمله نکردن به کابل و صدور اجازه برای ازدواج زال و رودابه مطرح شود.

۳- گاه برای برانگیختن حس همدردی مخاطب به اطناب روی آورده می‌شود که نمونه آن نامه دارا به فور هندی است. در این نامه برخلاف رویه معمول درخواست کمک از پادشاه کشوری دیگر که توأم با ایجاز است، دارا در هشت بیت بالایله و درد از فور درخواست یاری کرده است:

چو یاور نبودش ز نزدیک و دور	یکی نامه بنوشت نزدیک فور
پر از لابه و زیردستی و درد	نخست آفرین بر جهاندار کرد
دگر گفت کای مهتر هندوان	خردمند دانا و روشن‌روان
همانا که نزد تو آمد خبر	که ما را چه آمد ز اختر به سر
سکندر بیاورد لشکر ز روم	نه بر ماند ما را نه آباد بوم
نه پیوند و فرزند و تخت و کلاه	نه دیهیم شاهی نه گنج و سپاه
ار ایدونک باشی مرا یارمند	که از خویشتن باز دارم گزند
فرستمت چندان گهرها ز گنج	کزان پس نبینی تو از گنج رنج
همان در جهان نیز نامی شوی	به نزد بزرگان گرمی شوی

(فردوسی، ج ۶: ۳۹۸)

۴- گاه اطناب نویسنده در نامه برای همسو کردن نظر گیرنده با خود است که در حقیقت نوعی «تأثیرگذاری» بر مخاطب محسوب می‌شود. در چنین نامه‌ای فرستنده با شرح جزئیات آنچه مد

نظرش است و همچنین تکیه بر احساسات و نیز تکرار تلاش می‌کند عقیده خود را به مخاطب بقبولاند؛ همان‌گونه که افراسیاب در نامه به سیاوش در حدود بیست بیت چنین عمل کرده است:

غمی شد دلم زآنکه شاه جهان چنین تیز شد با تو اندر نهران
ولیکن به گیتی به جز تاج و تخت چه جوید خردمند بیداریخت
تو را این همه ایدر آراستست اگر شهریاری و گر خواستست
همه شهر توران برندت نماز مرا خود به مهر تو باشد نیاز
تو فرزند باشی و من چون پدر پدر پیش فرزند بسته کمر
کجا من گشایم در گنج بست سپارم به تو تاج و تخت نشست...

(همان، ج ۳: ۵ - ۷۴)

پیران نیز در نامه به گودرز چنین قصدی دارد، اما گرگ پیری چون گودرز را با کلام نمی‌توان خام کرد، حتی اگر نامه‌ای هشتاد و دو بیتی پیش رو باشد.

در مواردی اطناب نویسنده روشی سیاسی برای ترساندن مخاطب است. در این شیوه فرستنده نامه یا بیان قدرت و توان خود و حتی بزرگ نمایی که با تکرار و تهدید نیز همراه می‌شود، آوردگاهی بر صفحه کاغذ ترتیب می‌دهد و تلاش می‌کند گیرنده را پیش از رویارویی حقیقی مغلوب کند. پاسخ اسفندیار و زریر و جاماسب به ارجاسیبیان نمونه خوبی از این نامه‌هاست که در آن ۲۴ بیت به وصف پهلوانان و جنگاوران ایرانی اختصاص یافته است:

بیارم زگردون هزاران هزار همه کار دیده همه نیزه‌دار
همه ایرجی زاده و پهلوی نه افراسیابی و نه بیغوی
همه شاه چهر و همه ماه روی همه سرو بالا همه راست‌گوی
همه از در پادشاهی و گاه همه از در گنج و گاه و کلاه...

(همان، ج ۶: ۸۲)

در بحث از ایجاز گفته شد که فرمان‌ها معمولاً موجزند و مختصر و نشان‌دهنده بزرگی و بی‌نیازی فرمان دهنده؛ اما چون مخاطب فرمان بزرگ پهلوانی چون رستم باشد، حفظ حرمت و

شأن او حکم می‌کند شهریار به‌جای فرمانی آمرانه و قاطع، نخست در ابیاتی نه‌چندان کم به بزرگی و شکوه گیرنده، اعتراف کند و سپس درخواست حضور او را مطرح نماید؛ همان‌گونه که کاووس در هنگام فراخواندن رستم به گاه یورش سهراب، نخست در هفت بیت او را می‌ستاید و نشان می‌دهد خدمات او را از یاد نبرده و قدرشناس آن‌هاست:

دگر آفرین کرد بر پهلوان که بیدار دل باش و روشن‌روان
دل و پشت گردان ایران تویی به چنگال و نیروی شیران تویی
گشاینده بند هاماوران ستاننده مرز مازندران
ز گرز تو خورشید گریان شود ز تیغ تو ناهید بریان شود
چو گرد پی رخس تو نیل نیست هم آورد تو در جهان پیل نیست
کمند تو بر شیر بند افگند سنان تو کوهی ز بن برکند
تویی از همه بد به ایران پناه ز تو برفرزند گردان کلاه...

(همان، ج ۲: ۵ - ۱۹۴)

و کیخسرو نیز چون رستم را به نبرد با افراسیاب فرامی‌خواند، ابتدا در چهارده بیت تهمتن را به عظمت و پهلوانی وصف می‌کند.

گفته شد که حفظ مساوات میان لفظ و معنی در نامه‌ها نقش و جایگاهی ویژه دارد؛ چرا که نوع ادبی حماسه سادگی می‌طلبد و کاربرد نامه به‌عنوان پیامی مکتوب که باید منظور نویسنده را بی‌کم و زیاد به گیرنده انتقال دهد نیز بیش از پیش لزوم حفظ تناسب میان هدف کلام با متن را ایجاب می‌کند؛ در همین راستا دو نمونه از رعایت مساوات در نامه‌ها نیز نقل می‌شود. نامه اسکندر به فیلسوفان رومی:

کنون بازگردید با چار چیز برین بر فزونی مجوید نیز
چو منشور و عهد من او را دهید شما با فغانستان بنه بر نهید
نیازارد او را کسی زین سپس ازو در جهان یافتم داد و بس

(همان، ج ۷: ۲۴)

و در نامه‌ای دیگر اسکندر سران کشورهای تابع خود را این‌گونه به عدل و داد فرامی‌خواند:
به داد و دهش دل توانگر کنید بر آزادگی بر سر افسر کنید
که فرجام هم روزمان بگذرد زمانه پی ما همی بشمرد

(همان، ج ۶: ۴۰۴)

ب) دلایل روی آوردن به ایجاز

۱- کلام موجز کوبندگی و تأثیرگذاری بیشتری دارد به همین دلیل در نامه‌های دستوری و فرمان‌ها غالباً ایجاز پیش گرفته می‌شود.
مه آرام بادا شما را مه خواب مگر ساختن رزم افراسیاب

(همان، ج ۵: ۲۴۲)

همچنین تهدیدها نیز بنا به همین دلیل مختصر و کوتاه‌اند، چنانکه دارا در نامه به سران ممالک تابعه می‌نویسد:
که هر کاو ز رای و ز فرمان من بیچد بیند سرافشان من

(همان، ج ۶: ۳۸۲)

۲- استفاده از ایجاز و کوتاه بودن نامه می‌تواند بی‌اهمیت و پیش پا افتاده بودن آنچه در نامه مطرح شده را القا کند؛ مثلاً در نامه گردان ایران به کاووس هنگامی که پهلوانان ایرانی در مرز توران به شکار پرداختند و از سوی تورانیان مورد حمله قرار گرفتند، پس از دفع یورش دشمن و در نامه به شاه تنها در یک بیت گزارش دادند:
وزان کز دلیران نشد کشته کس زواره ز اسپ اندر افتاد و بس

(همان، ج ۲: ۱۶۷)

و یا فرماندهان سپاه پس از پیروزی در نبردهای سهمگین با گزارش مختصر فتح خود را اطلاع می‌دادند تا دامنه و گستره جنگ و نیز قدرت دشمن را در برابر توان خود اندک و ناچیز بنمایانند، گویی که بگویند چنین جنگی برای پهلوانی چون من هیچ نبود؛ مانند نامه رستم به

زال که در آن تهمتن تنها در دو بیت پیروزی خود در جنگ را گزارش می‌دهد، ولی بعد در سه بیت غنایم جنگی به دست آمده را برمی‌شمارد و به آنها می‌نازد:

شب تیره با نامداران جنگ به دژ در یکی را ندادم درنگ
چه کشته چه خسته چه بگریخته ز تن ساز کینه فروریخته
همانا ز خروار پانصد هزار بود نقره ناب و زر عیار
ز پوشیدنی و ز گستردنی ز هر چیز کان باشد آوردنی
همانا نداند شمارش کسی ز ماه و ز روز ار شمارد بسی

(همان، ج ۱: ۲۷۰)

۳- کلام موجز بهتر در یاد می‌ماند و نیز چون سخن کوتاه شد، احتمال یاه و بیهوده‌گویی در آن کاهش می‌یابد؛ همان‌طور که خسرو پرویز هنگامی که از خرداد برزین می‌خواهد نامه‌ای به قیصر بنویسد چنین به او می‌آموزد:

به قیصر یکی نامه باید نوشت چو خورشید تابان به خرم بهشت
سخن‌های کوتاه و معنی بسی که آن یاد گیرد دل هر کسی
که نزدیک او فیلسوفان بوند بدان کوش تا یاه‌ای نشنود

(همان، ج ۹: ۷۷)

۴- در بیشتر نامه‌هایی که در آن پادشاهی از سران کشورهای همجوار تقاضای کمک می‌کند، نهایت ایجاز دیده می‌شود به‌گونه‌ای که تنها در یک دو بیت درخواست یاری مطرح شده است تا به این وسیله در عین اعلام نیاز، غرور و بزرگی شهریار در تنگنا قرار گرفته هم حفظ شود. نامه شاه هاماوران به شاهان مصر و بربرستان از این دست است:

کزین پادشاهی بدان نیست دور به هم بود نیک و بد و جنگ و سور
گر ایدون که پاشید با من یکی ز رستم ترسم به جنگ اندکی

(همان، ج ۲: ۱۴۱)

۵- دسته دیگر از نامه‌های موجز آنهایی هستند که به قصد آگاهی دادن نوشته شده‌اند، اما نه از سوی فرودست به فرادست. در بیشتر این نامه‌ها پادشاهی سران دیگر کشورها یا شاهان

سرزمین‌های تابع خود را از پیروزی در نبرد مطلع می‌کند و با این ایجاز هم بالاتر بودن خود یا دست کم فروتر نبودن را می‌نمایاند و هم چنین القا می‌کند که در برابر قدرت من پیروزی در این نبردها کاری ناچیز و عادی است؛ به عنوان نمونه کاووس پس از غلبه بر افراسیاب که سال‌ها خاک ایران زمین را به خون کشیده بود، در نامه به سران کشورهای مختلف، تنها در تک‌بیتی می‌نویسد:

که شد ترک و چین شاه را یکسره به آبشخور آمد پلنگ و بره

(همان، ج ۱: ۲۷)

مهم‌ترین دلیل ایجاز در نامه‌ها گریز از تکرار است، چرا که بسیاری از نامه‌ها در حقیقت گزارش هستند از آنچه پیش آمده که این «پیش آمده» در متن اصلی شاهنامه آورده شده و نیازی به دوباره گویی آن نیست، بنابراین در این‌گونه نامه‌ها فردوسی به جای متن اصلی نامه، فقط موضوع آن را به صورت مختصر بیان کرده که هم مضمون نامه دانسته شود و هم راه بر تکرار بسته گردد؛ چون نامه پرویز به قیصر که محتوای آن در یک مصرع آورده شده اما خواننده شاهنامه پیش از این، در خود متن از اصل ماجرا با خبر شده است:

به قیصر یکی نامه بنوشت شاه چنانچون بود درخور پیشگاه

(همان، ج ۹: ۱۶۹)

در نهایت این ایجازها از نظر ساختاری در دو گروه جای می‌گیرند یعنی با ایجاز قصر هستند و یا ایجاز حذف.

– ایجاز قصر

ایجازی است که در آن جمله کامل است و واژه‌های از آن حذف نشده؛ مانند فتح‌نامه قیصر به مهتر باهله در یک بیت:

که نر ازدها با سرفراز گرگ تبه شد به دست دو مرد سترگ

(همان، ج ۶: ۴۵)

و یا نامه گشتاسب به سران ممالک دست نشانده:

که یک تن سر از گل مشورید پاک مدارید باک از بلند و مگاک

(همان، ج ۶: ۱۴۲)

- ایجاز حذف

هنگامی رخ می‌دهد که رکئی از جمله حذف شود؛ مانند بیتی از نامه زال به رستم که در آن از او می‌خواهد هر چه سریع‌تر به زابل بازگردد:

چو نامه بخوانی سبک برنشین که بی‌روی تو هستم اندوهگین

(همان، ج ۱: ۲۷۱)

معنای مجازی جمله

در بیشتر آثار بلاغی، منظور از بحث انشاء، انشای طلبی است و انشای غیر طلبی را موضوع بررسی بلاغی نمی‌دانند. بعضی دلیل مهم تفکیک انشای غیر طلبی از انشای طلبی را «نخواستن و طلب نکردن» یا «طلب نکردن در وقتی که مورد طلب حاصل باشد» دانسته‌اند (رجایی، ۱۳۵۹: ۱۳۲)؛ اما انشای طلبی، خواستن چیزی است به ایجاب یا به سلب، یعنی امر و نهی و طبق نظر قدما، شامل تمنی، امر، نهی، استفهام، ندا و دعا می‌شود. از دید علم معانی جمله یا خبری است یا انشایی و جملات انشایی نیز خود به دو دسته انشایی طلبی و انشایی غیر طلبی (عاطفی) تقسیم می‌شوند و جملات انشایی طلبی هم یا پرسشی‌اند و یا امری و نهی؛ اما این ظاهر سخن است و هر کدام از این موارد می‌توانند حامل بسیاری معانی دیگر باشند؛ به عنوان مثال جمله خبری ممکن است در پس ظاهر آگاهی دهندگی متضمن بیان تأثر، شادی، ملامت، هشدار، مفاخره یا تحقیر باشد؛ بنابراین شناخت منظور اصلی هر جمله و آنچه باید از آن برداشت کرد، اهمیت بسزایی دارد، به‌ویژه در شعر که اغلب معنای حقیقی کلام در پس ظاهر عبارات نهفته است. البته در این میان شعر حماسی آن‌هم شاهنامه با انواع دیگر شعرها تفاوت‌هایی دارد. نخست اینکه متعلق به سبک خراسانی و روزگار جوانه زدن ادب فارسی است. در این دوره کلام‌ها هنوز پیچیدگی زیادی ندارد و منظور از بیان جمله، همان است که به قلم می‌-

آید؛ بنابراین کمتر هدف و منظوری جز آنچه مشاهده می‌شود در پس سخن نهفته است و دیگر اینکه صلابت و صراحت حماسه خود سادگی و گریز از لایرنتهای زبانی را می‌طلبد چرا که در شعر حماسی رک‌گویی رکنی است که کوبندگی و تأثیرگذاری را به همراه دارد. سخنی که آشکار و بی‌پوسته بیان شود و برای درک آن نیازی به عبور از سطح کلام به لایه‌های زیرین آن نباشد نه تنها در بسیاری موارد شجاعت گوینده را تداعی می‌کند که خود حال و هوای پهلوانی خاصی به شعر می‌بخشد. باوجود این شاهنامه از این ظرایف خالی نیست و حکیم طوس هوشمندانه آنجا که لازم دانسته، جمله‌های دارای معنای مجازی را چاشنی وار در شعر به کار گرفته که با توجه به پنجاه و چند هزار بیت شاهنامه اندک شمار هم نیستند. اما نامه‌ها روشنی و سادگی بیش از متن اصلی را می‌طلبیده‌اند زیرا نامه‌نگاری یعنی انتقال سخن که رودر رو بیان نمی‌شود و به همین سبب باید برای گیرنده در نهایت روشنی و وضوح باشد و معنایی جز آنچه هدف اصلی نویسنده است از آن برداشت نگردد. با این پیش‌زمینه برخی نمونه‌های بارز در این زمینه بررسی می‌شوند تا روال کلی کاربرد معنای ثانویه جملات در نامه‌ها روشن شود.

الف) جملات امری

هدف اصلی گوینده چنین جملاتی، ابراز خواسته یا بیان دستور است؛ اما می‌توانند معانی مجازی زیر را نیز داشته باشند:

۱- مفهوم دعایی

به شادی بباش و به نیکی بمان تو شادان بداندیش تو با غمان

(فردوسی، ج ۳: ۱۱۱)

به داد جهان آفرین شاد باش جهان را یکی تازه بنیاد باش

(همان، ج ۵: ۳۴۲)

تو او را بدین جنگ رنجه مکن که من بین درازی نمانم سخن

(همان، ج ۶: ۵۰)

چنان گفته بودی که من تا دو ماه سوی کشور خرّم آرم سپاه

نه دو ماه پاید ز تو نی چهار کجا من بیابم چو شیر شکار
تو بر خویشان بر میفزای رنج که ما برگشادیم درهای رنج

(همان، ج ۶: ۸۲)

۳- در معنای تهدید

برو راه این لشکر آباد کن علف ساز و از تیغ ما یادکن

(همان، ج ۸: ۳۳۱)

ب) جمله‌های پرسشی

تعداد جمله‌های پرسشی نامه‌ها محدود است و همین تعداد محدود نیز بیشتر با هدف «طلب اخبار» (شمیسا: ۱۷۸) به کاررفته‌اند، اما از معدود جمله‌های پرسشی که هدفی جز این دارد، مفاهیم زیر استنباط می‌شود.

۱- استفهام انکاری

ندانی که ایران نشست من است جهان سر به سر زیر دست من است

(فردوسی، ج ۲: ۱۴۷)

یعنی حتماً میدانی!

۲- استفهام تقریری

چنین گفت کز جور چرخ بلند چو خواهد رسیدن کسی را گزند
به پرهیز چون باز دارد کسی وگر سوی دانش گراید بسی

(همان، ج ۶: ۳۱۹)

۳- تعظیم و بزرگداشت

ز شیران چه زاید مگر نره شیر چنانچون بود نامدار و دلیر

(همان، ج ۵: ۱۴۳)

۴- توییخ و ملامت

مرا پیش خوانی تو را شرم نیست خرد را بر مغزت آزرم نیست

(همان، ج ۷: ۳۳)

۵- اثبات نظر خود و رد نظر دیگران:

کی کاووس در رد درخواست سیاوش که تقاضای آشتی با توران را مطرح کرده برای اثبات نظر خود می‌گوید:

شنیدی که دشمن به ایران چه کرد چو پیروز شد روزگار نبرد

(همان، ج ۳: ۶۴)

۶- تنبّه و عبرت

کاووس در نامه به شاه مازندران پس از تار و مار شدن دیوان، به قصد تنبّه او می‌نویسد:

سزای تو دیدی که یزدان چه کرد ز دیو و ز جادو بر آورد گرد

(همان، ج ۲: ۱۱۰)

ج) جملات خبری

قصه اولیه و اصلی از ایراد جملات خبری، چنانکه در دستور زبان گفته‌اند، اخبار است یعنی منتقل کردن پیامی به مخاطب (شمیسا، ۱۳۷۴: ۱۴۲) اما گاه این وظیفه اصلی با اهدافی دیگر تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱- اظهار تأثر و اندوه

نخستین سخن گفت بهرام گرد به تیمار و درد برادر بمرم

(فردوسی، ج ۹: ۱۷۷)

هر آن کس که زاید ببایدش مرد اگر شهریارست گر مرد خرد

(همان، ج ۷: ۱۰۳)

سراینده از سال چون برف گشت ز خون کیان خاک شنگرف گشت

(همان، ج ۲: ۷۰)

۲- توییخ و ملامت

در این حالت گاه منظور توییخ است، گاه ملامت و گاه هر دو. کاووس در نامه به سیاوش او را چنین ملامت می‌کند:

تو با خوب‌رویان برآمیختی به بزم اندر از رزم بگریختی

(همان، ج ۳: ۶۶)

و سیاوش پس از خواندن نامه ملامت‌آمیز پدر، در سه بیت او را چنین سرزنش می‌کند:
از آن زن یکی مغز شاه جهان دل من برافروخت اندر نهران
شبهستان او درد من شد نخست زخون دلم رخ بیایست شست
بیایست بر کوه آتش گذشت مرا زار بگریست آهو به دشت

(همان، ج ۳: ۷۶)

در نامه زال به سام هم وقتی زال از گذشته خود می‌گوید، قصد اطلاع‌رسانی ندارد، بلکه پدر را شماتت می‌کند:

ز مادر بزادم بر آن سان که دید ز گردون به من بر ستم‌ها رسید
پدر بود در ناز و خز و پرند مرا برده سیمرخ بر کوه هند
همی‌خواندندی مرا پور سام به اورنگ برسام و من در کنام

(همان، ج ۱: ۸ - ۱۷۷)

۳- بشارت دادن

این مورد بیشتر در جمله‌های شفاهی کاربرد دارد چون در نامه‌ها معمولاً گیرنده از امری آگاهانده می‌شود نه اینکه یک پیش‌آگاهی وجود داشته باشد و حال برای بشارت دادن دوباره بازگو شود:

همه گردن سرکشان گشت نرم زبان چرب و دل‌ها پر از خون گرم

(همان، ج ۷: ۳۹۴)

۴- تشویق کردن و امید دادن

در نامه پرویز به گراز برای فریفتن قیصر، خسرو خدعه گرانه گراز را در مورد تشویق قرار می‌دهد:

که از تو پسندیدم این کارکرد ستودم تو را نزد مردان مرد

(همان، ج ۹: ۲۳۹)

۵- هشدار دادن

بدان‌ای پسر کین جهان بی‌وفاست پر از رنج و تیمار و درد و بلاست

(همان، ج ۸: ۳۱۱)

هر آن خون که آید به کین ریخته تو باشی بدان گیتی آویخته

(همان، ج ۵: ۱۵۲)

اگر شاه کاووس یابد رها تو رستی ز چنگ و دم اژدها

وگرنه بیارای جنگ مرا به گردن بیمای هنگ مرا

(همان، ج ۲: ۴۰ - ۱۳۹)

۶- برای اظهار آسودگی و بیان اختتام کار

قیصر در نامه به پرویز احساس آسودگی و شادمانی خویش از پیوند با خسرو را چنین بیان می‌کند:

برین خویشی ما جهان رام گشت همه کار بیهوده پدرام گشت

(همان، ج ۹: ۲۰۵)

۷- برای مفاخره

جمله‌های خبری از این نوع در نامه‌ها، به‌ویژه در بخش نخستین نامه‌ها، بسیار دیده می‌شود و از لازمه‌های نوع ادبی حماسه است:

بزرگان گیتی مرا دیده‌اند کسان کم ندیدند بشنیده‌اند

که دریای چین را ندارم به آب شود کوه ز آرام من در شتاب

سراسر زمین زیر گنج من است کجا آب و خاک است رنج من است

(همان، ج ۸: ۱۷۰)

چو داماد یابی چو پور قباد چنان دان که خورشید داد تو داد

(همان، ج ۳: ۷۶)

منم فور وز فور دارم نژاد که از قیصران کس نکردیم یاد

(همان، ج ۷: ۳۴)

گاه بزرگداشت مخاطب، جای مفاخره را می‌گیرد که باز در همین حیطه جای دارد؛ به‌عنوان نمونه در نامه کیخسرو به رستم چهارده بیت در قالب جمله‌های خبری وصف بزرگی‌های رستم است:

تو را داد گردون به مردی پلنگ به دریا ز بیمت خروشان نهنگ
جهان را ز دیوان مازندران بشستی و کندی بدان را سران
چه مایه سرتا جداران ز گاه ربودی و برکندی از پیشگاه
بسا دشمنان کز تو بی‌جان شدست بسا بوم و برکز تو ویران شدست
سر پهلوانی و لشکر پناه به نزدیک شاهان تو را دستگاه...

(همان، ج ۵: ۴۴)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش نقش علم معانی در انتقال پیام‌های شخصیت‌های شاهنامه، بررسی شده تا مشخص شود فردوسی هنگامی که در اوج داستانی حماسی خواسته است به بیان جزئیات داستان‌ها روی بیاورد، از چه نوع جمله‌هایی استفاده کرده و چگونه آنها را به کار برده است تا مضامین مورد نظر به بهترین شکل به مخاطب منتقل شود.

دلایل روی آوردن به ایجاز در نامه‌های شاهنامه در این است که کلام موجز بهتر در یاد می‌ماند و کوبندگی و تأثیرگذاری بیشتری دارد و استفاده از ایجاز و کوتاه بودن نامه می‌تواند بی‌اهمیت و پیش پا افتاده بودن آنچه در نامه مطرح شده را القا کند. در بیشتر نامه‌هایی که در آن پادشاهی از سران کشورهای هم‌جوار تقاضای کمک می‌کند نهایت ایجاز دیده می‌شود و همچنین به قصد آگاهی دادن نوشته شده‌اند.

ایجازها در شاهنامه از نظر ساختاری در دو گروه قصر و حذف به کار رفته‌اند. دلایل روی آوردن به اطناب برای نشان دادن اهمیت امری است که درباره آن به اطناب سخن گفته می‌شود. اطناب در بیان کارها و خدماتی که نویسنده در حق گیرنده نامه انجام داده نیز از راه تأثیرگذاری بر مخاطب است. فردوسی گاه برای برانگیختن حس همدردی مخاطب به اطناب روی آورده است و گاه اطناب در نامه برای همسو کردن نظر گیرنده با خود است که در حقیقت نوعی «تأثیرگذاری» بر مخاطب محسوب می‌شود.

فردوسی در نامه‌های شاهنامه جملات خبری را برای اظهار تأثر و اندوه، توییح و ملامت، بشارت دادن، تشویق کردن و امید دادن، هشدار دادن برای اظهار آسودگی و بیان اختتام کار برای مفاخره به کار برده است. همچنین جمله‌های پرسشی را با اهداف استفهام انکاری، استفهام تقریری، تعظیم و بزرگداشت، توییح و ملامت، اثبات نظر خود و رد نظر دیگران و تنبّه و عبرت به کار برده است و جملات امری را بیشتر در مفهوم دعایی، تعجیز و در معنای تهدید استفاده کرده است.

منابع و مآخذ

- ۱- ذوالفقاری، داریوش و دیگران. «نظری جدید دربارهٔ اطناب و بررسی عملی این نظر در داستان رستم اسفندیار». بهار ادب، سال ۵، شماره ۴، پیاپی ۱۸، ۱۳۹۱، صص ۱۳۳-۱۲۱.
- ۲- راشد محصل، محمدرضا. «پیام نامه‌ها در شاهنامه فردوسی»، مجموعه مقالات بزرگداشت فردوسی، به کوشش غلامرضا ستوده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ۳- رجایی، محمدخلیل. معالم البلاغه. شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۵۹.
- ۴- سرآمی، قدمعلی. از رنگ گل تا رنج خار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ۵- شمیسا، سیروس. بیان و معانی. تهران: انتشارات فردوس، چاپ هفتم، ۱۳۷۴.
- ۶- صحرایی، قاسم. «پژوهشی در نامه‌های شاهنامه فردوسی»، شماره ۵۰، ۱۳۹۰، صص ۱۵۷-۱۳۳.
- ۷- صفا، ذبیح‌الله. حماسه‌سرایی در ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۷۹.
- ۸- فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه. به کوشش سعید حمیدیان، چهارجلدی. تهران: نشر قطره، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- ۹- معین‌الدینی، فاطمه‌نامه. «نامه‌نگاری در شاهنامه»، مجموعه مقاله‌های نخستین گردهمایی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی، به کوشش محمد دانشگر، تهران: مرکز بین‌المللی تحقیقات زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۱.
- ۱۰- نذری، جوهره‌بیک و علی محمدی‌خراسانی. «نامه و نامه‌نگاری در شاهنامه». تهران: نشر آرون، ۱۳۹۹.
- ۱۱- همایی، جلال‌الدین. معانی و بیان. تهران: نشر هما، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
- 12- Sarami, Ghadam Ali. (2004), From the color of flowers to the sufferer, Tehran: Scientific and cultural.
- 13- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza (2012), The Resurrection of Words, Second Edition, Tehran: Sokhan.
- 14- Zolfaghari, Dariush et al. (2012), A New Theory of Atnab and the Practical Study of this Opinion in the Story of Rostam Esfandiari ", Bahar Adab, Volume 5, Number 4, Consecutive 18, pp. 133-121.
- 15- Kazazi, Jalaluddin (2021), Ancient Letter, Editing and Reporting Ferdowsi Shahnameh, Tehran: Samat.
- 16- Shamisa, Sirus (1996), Expression and meanings, seventh edition, Tehran: Ferdows.
- 17- Ferdowsi, Abolghasem (2005), Shahnameh, by Saeed Hamidian, four volumes, seventh edition, Tehran: drops.
- 18- Safa, Zabihollah (2000), Epic in Iran, sixth edition, Tehran: Amirkabir.

Investigating the rhetorical aspects of Shahnameh letters with the approach of news and essay sentences

Zinat jahani,¹ Kimia Tajnia Ph.D.², Ismail Eslam Ph.D.³

Abstract

Meanings, as one of the three aesthetic sciences of Persian speech, have a special and privileged place in speech rhetoric, and rhetorical sciences and techniques play an important role in the formation of language. According to the rules and principles of semantics, the role and importance of sentence types in conveying concepts can be examined. This science divides sentence types into news and composition and studies them in terms of secondary meanings. In this research, which has been done in a descriptive-analytical manner and using library sources, the author intends to study the rhetorical aspects of Shahnameh letters with the approach of the position of news and compositional sentences and has reached the conclusion that in fiction and There are many Persian epics, roles and letters that are not comparable to the letters of Ferdowsi Shahnameh and the number of 250 letters used in Shahnameh is proof of this claim. These letters are mostly used in two parts: heroism and history, and Ferdowsi's goal is not only to convey the thoughts and wishes of their sender; Rather, each is an opportunity for the sage to use innovation and diversity; Sometimes quotes parts of the story from the language of the letter writer; Sometimes, by expressing one's feelings in one's own language, Shuri speaks in order to find an opportunity to pay homage to the characters of the epic heroes, and without his presence casting a shadow over the events, he conveys his analyzes and even messages to the audience and in a word The letters are the full mirror of the Shahnameh.

Keywords: Types of rhetoric, rhetoric, semantics, news and composition, Ferdowsi Shahnameh.

1. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran. Email: Zjahani452@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran. (Author) Email: Kimia.tajnia@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran. Email: es596262@gmail.com